



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: لو نکح المریض/ارث زوجه/میراث الأزواج.  
 بحثمان در مسئله "لو نکح المریض" بود که امام رضوان الله علیه در مسئله سوم از تحریر الوسيلة اینطور فرمودند: «مسألة ۳: لو نکح المریض فی مرضه، فإن دخل بها أو برئ من ذلك المرض یتوارثان، وإن مات فی مرضه ولم یدخل بطل العقد، ولا مهر لها ولا میراث. وكذا لو ماتت فی مرضه ذلك المتصل بالموت قبل الدخول لا یرثها. ولو تزوجت و هی مریضة لا الزوج فماتت أو مات یتوارثان، ولا فرق فی الدخول بین القبل و الدبر. كما أن الظاهر أن المعبر موته فی هذا المرض قبل البرء لا بهذا؛ فلو مات فیه بعلة أخرى لا یتوارثان أيضاً، والظاهر عدم الفرق بین طول المرض وقصره، ولو كان المرض شبه الأدوار؛ بحيث یقال بعدم برئه فی دور الوقوف، فالظاهر عدم التوارث لو مات فیه، والأحوط التصالح»<sup>۱</sup>.

عرض کردیم که صاحب وسائل در باب ۱۸ از ابواب میراث الأزواج سه خبر صحیح نقل کرده که بر این مطلب دلالت دارند، عنوان باب این است: «باب ۱۸: أن المریض إذا تزوج و دخل صح النکاح وثبت المیراث وإن لم یدخل بطل ولا میراث بینهما».

در اینجا بحثهایی مطرح شد و اقوالی بوجود آمد: اول اینکه عقد بدون دخول من رأس باطل است و کما لم یکن می باشد و حتی زن عده وفات هم ندارد والقائل به السید الخوئی فی منهاج الصالحین.

دوم اینکه این عقد مانند عقد فضولی می باشد یعنی صحت تأملیه دارد و با دخول صحت فعلیه پیدا می کند و دخول کشف می کند که عقد از همان زمان وقوع صحیح بوده والقائل به صاحب الجواهر.

سوم اینکه این عقد متزلزل می باشد یعنی حدوداً صحیح است و تمام آثاری که در نکاح است بر آن مترتب می شود و اما بقائاً در صورت دخول لزوم و صحت فعلیه پیدا می کند و اگر دخول نکرد دیگر ارث نمی برد والقائل به صاحب الریاض و صاحب المسالك و صاحب المستند الشیعة و بنده نیز معتقدم همین نظر را باید تقویت کنیم چونکه این عقد حدوداً مشمول ادله ای که دال بر صحت نکاح هستند می باشد لذا صحیح است و تمام آثاری که بر عقد نکاح صحیح مترتب است بر آن نیز مترتب می شود و اما شارع بقائاً شرط دخول را برای مسئله ارث قرار داده و فرموده اگر دخول نکرد ارث نیست و این هم یکی از اعتبارات شارع مقدس می باشد.

چند مطلب دیگر در اینجا وجود دارد؛ اول اینکه ممکن است مرض آن مرد طولانی باشد و دوم اینکه ممکن است در همان حال مرض به علتی غیر از مرض مثل تصادف فوت کند که امام رضوان الله علیه در این رابطه می فرماید: «كما أن الظاهر أن المعبر موته فی ( فی به معنای ظرفیت گرفته شده نه سببیت) هذا المرض قبل البرء لا بهذا(المرض)؛ فلو مات فیه بعلة أخرى(مثل تصادف) لا یتوارثان أيضاً(خلافاً لصاحب الجواهر). والظاهر عدم الفرق بین طول المرض وقصره(خلافاً لصاحب الجواهر)، ولو كان المرض شبه الأدوار؛ بحيث یقال بعدم برئه فی دور الوقوف، فالظاهر عدم التوارث لو مات فیه، والأحوط

<sup>۱</sup> تحریر الوسيلة، امام خمینی (ره)، ج ۲، ص ۴۲۵، مسئله ۳، ط نشر آثار.

بیقه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ... .

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی  
محمد و آله الطاهریں

التصالح (بین زن و ورثه، یعنی وراث کمی از حق خودشان بگذرند و به این زن بدهند و این احتیاط مستحب می باشد)»<sup>۲</sup>.

با توفیق پروردگار این مسئله "لو نکح المریض" تمام شد. خب واما مسئله چهارم از تحریر الوسيلة این است که: «مسألة ۴: إن تعددت الزوجات (در قرآن کریم زن نیز مثل مرد زوج نامیده شده و بعدا به زن زوجه گفته شده) فالثمن مع وجود الولد و الربع مع عدمه (الولد) یقسّم بینهنّ بالسویة، فلهنّ الربع أو الثمن من التركة. ولا فرق فی منع الولد عن نصیبها الأعلى بین کونه (الولد) منها أو من غیرها، أو کان (الولد) من دائمة أو منقطعة، ولا بین کونه (الولد) بلا واسطة أو معها. والزوجة المطلقة حال مرض الموت شریكة فی الربع أو الثمن مع الشرائط المتقدمة (المذكورة فی مسألة الثانية)»<sup>۳</sup>.

آیت الله العظمی آقای خوئی در منهاج الصالحین فرمودند: « فی إرث الزوج لو تزوجها فی مرضه فمات قبل الدخول بها ثم مات الزوج فی مرضه إشکال و الاحتیاط لا یترک .

الظاهر أن النکاح فی حال مرض الزوج إذا مات فیہ قبل الدخول بمنزلة العدم فلا عدّة علیها بموته، و الظاهر عموم الحکم للأمراض الطویلة التي تستمر سنین أيضا»<sup>۴</sup>.

خلاصه ایشان صورتی که قبل از دخول مرد فوت کند را باطل من رأس و کین لم یکن می داند.

<sup>۲</sup> تحریر الوسيلة، امام خمینی (ره)، ج ۲، ص ۴۲۵، مسئله ۳، ط نشر آثار.

<sup>۳</sup> تحریر الوسيلة، امام خمینی (ره)، ج ۲، ص ۴۲۶، مسئله ۳، ط نشر آثار.

<sup>۴</sup> منهاج الصالحین، السید ابوالقاسم الخوئی، ج ۲، ص ۲۷۱، مسئله ۱۲۹۶ و مسئله